برگذشتن از مرحله شناخت و قصد

مهدویان، هادی

باید بپذیریم که در نظام تولید علم،بخصوص در حوزه علوم اجتماعی،با مشکل مواجهیم.ضمن اینکه‏ دچار تأخیر تاریخی و علمی نیز هستیم و این کار را برایمان مشکل کرده است.این در حالی است کهه از بین رفتن فضای تقابل و هماوردی پس از فروپاشی‏ شوروی،عرصه را برای کشورهای در حال توسعه از گذشته سخت‏تر کرده است.یعنی آنچه امکان داشت‏ در شرایط معمول در نظام دو قطبی حاصل شود،اکنون‏ با پرداخت هزینه سنگینی قابل تحقق است.

اما از این مسئله چشم بپوشیم و به بحث تخصصی‏ تعامل با اقتصاد جهانی بپردازیم.نخست به واژه‏ «هم پیوندی»اشاره می‏کنم که در شماره گذشته ماهنامه‏ روند اقتصادی در تحلیل اقتصاد ایران به کار رفت.این‏ اصطلاح ضمن آنکه از واژه تعامل قوی‏تر است،بیانگر قصد،فعلیت و شتاب نیز هست.

بر این موضوع نیز تأکید می‏کنم که کوتاهی و سستی در هم پیوندی با جهان در گام‏های بعدی‏ هزینه‏های بسیار سنگین‏تری را به اقتصاد کشور تحمیل‏ خواهد کرد.البته در تاریخ مصداق‏های مقال زدنی در این زمینه فراوانند؛از جمله آنچه در روسیه با برخی‏ نقاط دیگرروی داد.مقصود اینکه در صورت‏ بی‏توجهی در دامی قدم می‏نهیم که خروج از آن‏ ناممکن است.به بیان دقیق‏تر چنان در جهان،نابهنجار و غیر متعارف و در داخل دچار دشواری می‏شویم که‏ امکان رهایی‏مان از مشکلات یکسره از بین می‏رود و حتی مجال اندیشه در راه‏های هم پیوندی نیز برای‏مان‏ باقی نمی‏ماند.

البته هم پیوندی با جهانی شدن پدیده جدیدی نیست. این جریان تقریبا در طول تاریخ بشر ادامه داشته و در جهت بهینه سازی و تکامل گرایی بشر و در پویش‏های‏ انسان تدام یافته است.منتهی آنچه در حال وقوع است، مهیاتر شدن بستر است.یعنی زمینه ابداعات و اختراعات‏ و توسعه فناوری فراهم‏تر،و شتاب تحولات در این‏ عرصه بیشتر شده است.ضمن آنکه ابزارها و نهادهای‏ این تحول نیز قاعده‏مند شده‏اند.

در عین حال اگر تا دو دهه پیش این تردید وجود داشت‏ که چه بسا راه دومی نیز وجود داشته باشد،اکنون این تردید از میان رفته است.البته واقعیت یگانه بودن راه، دشواری‏های ذهنی خاص خود را برای برخی جوامع ایجاد کرده است.بحث مهم این است،برای دست یافتن به قدرت‏ تعامل و هم پیوندی با جهان باید از مرحله«شناخت»و «قصد»عبور کنیم.مادام که این مراحل را پشت سر نگذاریم‏ ممکن است درگیر مباحثات و جدال‏های پایان ناپذیری‏ شویم که راه را برای‏مان دشوارتر می‏کند.

در این میان طبعا غربی‏ها خواهند کوشید با بهره گیری از مزیت پیشگام بودن در این فرایند شرایط بهتری را نیز برای‏ خود محقق سازند.به همین دلیل نیز در شناسایی حقوقی‏ جایگاه ما در این روند تردید روا می‏دارند.فرآیند پیوستن‏ ترکیه به اتحادیه اروپا مثال ملموسی در این زمینه است. همچنانکه می‏دانیم پیوسته این دستاویز و بهانه از سوی‏ اتحادیه اروپا مطرح می‏شود که ترکیه آمادگی الحاق را ندارد و توجیهات گوناگونی نیز برای این ادعا اقامه می‏شود.البته‏

برگذشتن از مرحله‏ شناخت و قصد

دکتر هادی مهدویان

کوتاهی و سستی در هم پیوندی با جهان در گام‏های بعدی هزینه‏های‏ بسیار سنگین‏تری را به‏ اقتصاد کشور تحمیل‏ خواهد کرد

نباید فراموش کنیم که منشاء این بهانه جویی‏ها داخلی و در نتیجه مقاومت محافلی در ترکیه در برابر الحاق است. مخالفت داخلی با الحاق این اندیشه را نزد اروپاییان دامن‏ می‏زند که در نظام فکری و عملی ترکیه دوگانگی وجود هم پیوندی یا جهانی شدن‏ به گونه‏ای است که‏ سرریزهایی را موجب شده‏ و آنچه تاکنون ما از آن‏ بهره‏مند شده‏ایم صرفا همین سرریزهاست.

دارد و هنوز مسائل داخلی این کشور فیصله نیافته است‏ ادغام در اقتصاد جهان از دو طریق امکان پذیر است،ادغام‏ از پایین و یا ادغام از بالا.

مالزی نمونه مناسب هم پیوندی از پایین است؛مقصود هم پیوندی به اتکای قدرت و از مسیر اقتصادی است.اگر چه‏ مالزی در این مسیر گاه با موانع بسیار بزرگی مواجه شده‏ است.اما توانسته است با فشار و قدرت اقتصاد و تجارت‏ وارد این فضا شود.اما ادغام اسراییل از طریق تصمیم سیاسی‏ و از بالا محقق شده است و بسیار تلاش می‏شود تا از این‏ طریق جایگاه این کشور در اقتصاد جهانی و در این هم‏ پیوندی ارتقا یابد.افزون بر این،کوشش می‏شود جایگاه‏ مشخصی نیز برای آن دو منطقه تعبیه شود.

تصور من این است که شتاب هم پیوندی یا جهانی شدن‏ به گونه‏ای است که سرریزهایی را موجب شده و آنچه‏ تاکنون ما از آن بهره‏مند شده‏ایم صرفا همین سرریزهاست. یعنی حاصل چندانی از این فرایند نبرده‏ایم و فعالانه‏ نکوشیده‏ایم جایگاه و موقعیت روشن و مناسبی در آن‏ بیابیم.

البته ناگفته پیداست که این فرایند بسیار پر نشیب و فراز و پر نوسان است.بخشی از دشواری کار ناشی از نظام تولید اندیشه و علم در کشورمان است و چیرگی‏ برای چالش بزرگی است.معضل به گونه‏ای است که‏ می‏تواند به مخالفت و ممانعت‏های از خارج بینجامد. زیرا که رقبای‏مان نیز در این فرایند حضور دارند و از میان همین دشواری‏ها به دنبال راه حلی برای خود می‏گردند.ما نیز باید راه خود را بیابیم.

به نظر می‏رسد این راه باید از مسیر اقتصاد و تجارت عبور کند و به تدریج به مبادلات سرمایه گذاری،مالی،علمی و انسانی تسری یابد.راه،جز این نیست و البته تضمینی هم در کار نیست.مهمتر اینکه نباید از خطرات راه غافل بود.آنچه‏ بیان شد به معنای بدون عیب و نقص بودن قواعد بازی و مقررات حاکم بر تعاملات جهانی نیست.دست بر قضا مسائل و معضلات فراوانی در باره آنچه نظامن حکمرانی‏ جهانی (World Govemance) نام گرفته،وجود دارد که‏ اکنون مجال طرح آن‏ها نیست.